

بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه های اسلامی و غربی

حامد احمدی^۱، سیدمهدی رسولی^۲

^۱ دانشجوی دکترای معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکترای معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

چکیده

بحث آرمان شهر از بحث های بسیار ارزنده و مهم در اندیشه های سیاسی است، یکی از آرمان های دیرینه بشر، دستیابی به آن نوع شیوه زیست بوده است که زندگی او را با بهره وری و کامیابی قرین سازد بنابراین آرمان شهر، نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد. با نگاهی به نظریات آرمان گرایان جهان غرب در گذار تاریخی این نتیجه حاصل شد که تفکر آرمان شهر گرایان غربی بنا به متقاضیان زمان و متناسب با دغدغه های روزگار شکل گرفته این در حالی است که اهداف آرمانشهرگرایان اسلامی در فضا و زمان نمی گنجند و این نشان از میزان تعالی تفکرات و سرچشمه ملکوتی و فرابشری آن دارد. روش تحقیق برای انجام این پژوهش از رویکرد تطبیقی با روش توصیفی - تحلیلی و استدلالی منطقی استفاده شده است نتایج اینطور نشان می دهد که پیدایش شهری آرمانی همواره در طول تاریخ، ذهن بشر را به خود معطوف داشته و افکار و آرای بسیاری از فلاسفه و اندیشمندان سیاسی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است آرمان شهر بزرگترین هدف و انگیزه تلاش انسان برای نیل به تکامل است. آنچه که از بررسی تفاوت های میان آرمانشهرهای غربی با آرمانشهرهای اسلامی حاصل شده اینست که در اندیشه آرمانشهرهای اسلامی عرصه های دین، حکمت و ادب خودنمایی می کند و این نگرش، تاثیرات قابل توجهی بر کالبد شهرها، گذشته است آرمان گرایان غربی در نظریات آرمانشهرهای خود از علم فلسفه و حکمت بهره برده اند که در این زمینه نظریه پردازان مسلمان نیز بیشتر اندیشه های فلسفی داشته اند و کمتر ابعاد کالبدی آرمانشهر را مورد توجه قرار داده اند.

واژه های کلیدی: آرمانشهر، افلاطون، فارابی، آرمانشهر اسلامی

مقدمه

در تاریخ زندگی بشر همواره اصل بر این اساس بوده که سودای نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه ای عاری از کاستی باشد که این اصل همواره ذهن اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول داشته و با تولد اندیشه در انسان همراه بوده است. این چنین انسان های همیشه آرزوی داشتن جامعه ای عاری از پلیدی، خشونت و خودخواهی ها و همراه با رفاه و آسایش، همواره در تکاپو بوده و چاره ها اندیشیده است زیرا که آدم ها همواره مقهور امیال خودخواهانه خود بوده و این امر دورانی تیره و فلاکت بار را برای او به ارمغان آورده است. بنابراین سودای ساختن جامعه ای بسامان و یک آرمانشهر پاسخی است به چنین وضعیتی که فیلسوف سیاست را مشغول خود ساخت تا جایگزین مناسبی برای وضعیت فعلی خویش فراهم آورد (مطلبی، ۱۳۸۸). بنابراین رویای زندگی بهتر و سرشار از خوشبختی و شادی در معنای وسیع آن، دغدغه همیشگی انسان بوده است. انسان بر اساس فطرت الهی خویش پیوسته به نگرانی ها، از زشتی ها و بدی ها رهایی یافت و زندگی را عرصه لذت های حقیقی ساخت. (صرفی، ۱۳۸۶) لذا بر این اساس میتوان اینگونه پنداشت که اگر فیلسوف وضعیت را مناسب میدید همین وضعیت طبیعی برایش آن آرمان مطلوب و عصر طلایی بود و دیگر معنای چندانی برایش نداشت که به دنبال یک آرمانشهر باشد. بر این اساس آرمانشهر، ذهن بسیاری از فیلسوفان و اندیشه ورزان را به خود واداشته و تأثیرات بسزایی در عالم اندیشه و تاریخ نهاده و مواردی از آن، همانند تفکر مارکسیسم موجب تحولات چشمگیری در تاریخ شده اند بنابراین میتوان اینگونه گفت که آرمان خواهی یکی از بزرگترین عامل تکامل آدمی و او را داشته تا هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نشود و این نیرو یکی از اصلی ترین منابعی است که او را همواره به تفکر، کشف، کنجکاوی، حق یابی، ابتکار و خلق مادی و معنوی وادارد؛ هنر، ادبیات و تمام فرهنگ بشری تجلیگاه روح ایده آل این موجودی است که هرگز به تسلیم در برابر وضعی که جهان برایش تدارک دیده خشنود نیست، به ویژه در انسان عصر جدید یک نگاهش به گذشته های سراپا تیره و تاریک همانند قرون وسطی و یک نگاهش به آینده های روشن و عصری طلایی بوده و خواهان جهانی پرشکوه و جلال بوده است. بنابراین بر این اساس تشکیل جامعهای آرمانی، اصلاحگری آن در رفع مظاهر مفاسد هر جامعه و زیستی انسانی سودای همیشگی بشریت بوده است و البته این نکته را باید بیان دات که رویای بشری صفحه ضمیر اندیشه ورزان مشرق زمین و مغرب زمین را در نور دیده و پیرو قابلیت های آنان، تعیینات گوناگونی یافته است، چنانکه شاعر در شعرش، پیکره تراش در پیکره اش و نقاش در نقاشی اش آرمان خود را نشان میدهد (مطلبی، ۱۳۸۸).

روش تحقیق

روش تحقیق برای انجام این پژوهش از رویکرد تطبیقی با روش توصیفی -تحلیلی و استدلالی منطقی استفاده شده است و برای جمع آوری اطلاعات به منابع مکتوب و کتابخانه ای مراجعه شده است

مبانی نظری پژوهش

در غرب از افلاطون به عنوان اولین فیلسوف آرمانگرا که اندیشه آرمانشهر را مطرح کرد، یاد می شود. او در رساله جمهوری خطوط اصلی که برای سازماندهی یک شهر آرمانی لازم است را به تصویر می کشد: شهری متشکل از دو طبقه پاسداران و توده

مردم. (میروانی ۱۳۹۶) بنابراین بر اساس کتاب جمهور افلاطون می‌توان اینگونه گفت که اعتدال مدینه، عبارت است از تبعیت لازم و مقتضی فرمانبرداران از فرمانروایان عدالت مدینه در این است که هر کس، بدون دخالت در کار دیگران، مواظب و متوجه کار خود باشد. همان گونه که فرد، وقتی عادل است که تمام عناصر نفس او به نحو شایسته و هماهنگ کار ویژه خود را انجام دهند و پایین تر نسبت به بالاتر تبعیت لازم را داشته باشد، همین طور مدینه وقتی عادل یا درستکار است که تمام طبقات و افرادی از آنها ترکیب و تألیف شده است وظایف مربوط به خود را به طریقی شایسته و صحیح انجام دهد. (فردریک، ۱۳۹۳) البته شهری با این اوصاف ممکن است هرگز صورت واقعیت به خود نگیرد، آنجا که می‌گوید: «چه بسا مدینه فاضله هرگز تحقق نیابد بلکه به صورت نمونه‌ای در آسمان باشد تا آرزومندان بتوانند آن را ببینند و مانده آن را در دل‌های خود بنیاد نهند. (عنایت، ۱۳۶۴). همچنین بنا به گفته‌های کتاب فارابی با نام «مدینه فاضله» آرمانشهر (شرح مفصلی از آرمانشهر به دست می‌دهد و شیخ اشراق سهروردی نیز در آثارش از این واژه نام برده است. (داد، ۱۳۷۵)

ماهیت و منشأ آرمان شهر

آرمان شهر که به نام اصلی خود یعنی اتوپیا هم معمول است، واژه‌ای انگلیسی است (Utopia) که در تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌های جهان، حضور داشته و دارد. برای مثال حتی آرمان شهر در فلسفه‌ی اسلامی هم مشابه خود را با عنوان «مدینه‌ی فاضله» تعریف کرده است. بنابراین ضرورت نگاه به ماهیت زندگی اجتماعی یکی از پرسش‌های همیشگی پیشاروی اندیشمندان اجتماعی و سیاسی، پاسخ به مسأله ماهیت زندگی اجتماعی بوده است. بسیاری از اندیشمندان انسان را فطرتاً اجتماعی خوانده و در نتیجه زندگی اجتماعی را گریز ناپذیر دانسته‌اند. این امر سبب شده است تا مسأله ماهیت زندگی اجتماعی در کانون توجه نظریه‌های سیاسی و اجتماعی باشد. بنابراین طراحان جامعه آرمانی در باره ماهیت و منشأ آن اختلاف نظر دارند، این امر به نوبه خود در تعریف و تبیین ویژگی‌های مدینه فاضله موثر واقع شده است. برخی معتقدند «آرمان شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمانهای مجرد خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند. در این صورت آرمان شهر .. باز آفرینی ذهنی جامعه است به قصد انتقاد از نظام مستقر و محکی است برای سنجش وضع موجود و آشکارساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش (اصیل، ۱۳۸۱). اما برخی از این نیز فراتر رفته‌اند و آرمان شهر را نتیجه بسط نحوه‌ای تفکر و مظهری از مظاهر تمدن می‌دانند که در نسبت با تفکر غالب هر دوره قابل تفسیر است (داوری، ۱۳۵۶)

مدینه فاضله از دیدگاه افلاطون

افلاطون در کتاب جمهوری موضوع مدینه فاضله را مطرح کرده و به توصیف آن پرداخته است. او با اعتراض نسبت به نظام حکومتی مستقر به بحث در باره حکومت مطلوب پرداخت و اریستوکرات را به عنوان حکومت مطلوب معرفی کرد؛ «به نظر افلاطون باید اساس اخلاقیات حاکم حکمت، فضیلت و رعایت عدالت باشد، اما معمولاً صاحبان قدرت های مادی لذت طلب می شوند و قوه قهر و غلبه آنها طالب برتری و ستمگری است، و بالاخره جامع رذایل اخلاقی می شوند و بدین جهت، نمی توانند حاکم باشند، بنابراین طبقه حاکمه باید خویشتن دار، عادل، حکیم و بافضیلت باشد؛ و این است معنی آریستوکرات و یا اشراف. (افلاطون، ۱۳۹۸). جمهوری افلاطون مورد توجه اتوبی نویسان بعد از او قرار گرفت و آثاری که پس از آن در زمینه مدینه فاضله به نگارش در آمد، صرف نظر از تفاوت هایی که ناشی از نحوه تفکر مربوط به دوره های تاریخی است، از نظر صورت شبیه به آن هستند» (اصیل، ۱۳۸۱)

طرح مدینه فاضله افلاطون بعد از آن بوده است که وی تمام نظامهای موجود در جامعه را نامطلوب و ناقص و دور از حقیقت م دانست، لذا دست به تاسیس یک مدینه ایده آل زد. گرچه افلاطون از مدینه فاضله تعریف منظمی ارائه نکرده است، ولی می توان دیدگاه او را چنین بیان نمود: مدینه فاضله یک نیک شهر در یونان جامعه ای است که در آن خرد، دانش، فضیلت و عدالت حکفرماست. در مدینه فاضله افلاطون، رهبر کسی است که از نظر عقل بی نظیر است و وجود ابدی و لایتغر را درک می کند. به طور کلی سنگ بنای مدینه فاضله افلاطون مبتنی بر معرفت عقلی است که مرتبط با عالم مثل است. (اکبری مطلق، ۱۳۹۱).

آرمان شهر اسلامی و خصوصیات آن

اندیشه برپایی آرمان شهر در تمامی مکتب ها و اندیشه ها دیده می شود. در اندیشه و تفکر اسلامی، نخستین بار واژه ی آرمان شهر توسط حکیم ابونصر فارابی به صورت مدینه فاضله به کار گرفته شد. در قرآن به برخی از شاخصه های آرمان شهر مطلوب که بیشتر معنوی اند اینگونه اشاره شده است: امنیت، پاک بودن، تقدس، وفور رزق، نزدیکی و برکت. شهر آرمانی اسلام و شهر خدا که اندیشمندانی بزرگ چون فارابی، اخوان الصفا، سهروردی، ابن رشد، خواجه نصیر الدین طوسی، نظامی گنجوی، و ابن خلدون در اندیشه سیاسی خود، معیاری برای ارزیابی دعاوی کسانی باشد که سخن از شهر اسلامی می گویند. (مجموعه مقالات، ۱۳۷۸) در آرمان شهر اسلامی همه چیز می میرد و اصولاً بنیاد و ذات زندگی این جهان بر مرگ و نابودی جسم و عالم ماده قرار دارد، مرگ در دیدگاه ساکنان این شهر دروازه ای است که بدون گذشتن از آن راهی به سوی کمال ندارد. (علی - آبادی، ۱۳۸۶).

بنابراین در مورد این بحث می‌توان اینگونه گفت که آرمان شهر اسلامی اصولی مشترک چون عبودیت خداوند، توجه به معنویت و روحانیت حیات انسان، بهره‌گیری از جنبه مادی حیات در تقویت جنبه معنوی آن و وحدت و عدالت. بر خلاف دوران مدرن که انسان نگاه خود را از آسمان بر گرفت و رستگاری را در گستره‌ی زمین جستجو میکرد، آرمان شهر گرایان اسلامی آرمان‌های خود را بر مبنای اسلام و ارزش‌های آن ارائه می‌دهند. (خسروی، ۱۳۹۲) لذا بر این اساس معرفت مورد نظر اسلامی به کمال روحانی می‌انجامد و همیشه هدف نهایی آن ارتباط دادن جهان جسمانی با اصل روحانی آن از طریق شناسایی رموزی بوده است که مراتب مختلف حقیقت و واقعیت را با هم متحد می‌سازد. در آرمان شهر اسلامی، انسان اجتماعی با تمام سازمان‌ها و نهاد‌هایی که برای زندگی ضرورت دارند، تشریح شده است و روش حاکمیت، شیوه زندگی و تولید و توزیع ثروت و آموزش و ... در قالب آرمانی آن توصیف شده است. (احمدی، ۱۳۹۱)

مدینه فاضله فارابی

ابونصر محمد بن محمد فارابی یکی از فلاسفه‌ی بزرگ جهان اسلام است که مقلب به معلم ثانی می‌باشد. او در کتاب آراء اهل مدینه فاضله، مدینه فاضله افلاطون را در قالبی اسلامی بیان کرده است. به گفته‌ی وی مدینه فاضله اجتماعی است که امکانات سعادت انسانها را فراهم می‌آورد (فارابی، ۱۳۶۱). افراد این جامعه سعادت را می‌شناسند و در همه کارهایی که آنها را هدف سعادت می‌رساند با یکدیگر همکاری و تعاون دارند، سعادت از نظر فارابی خیر مطلق است. مدینه فاضله برای فارابی هدف اصلی نیست بلکه هدف اصلی وی سعادت است، و شرط رسیدن به سعادت اصلاح طلبی یک مصلح و همراهی گروهی از خیر اندیشان است. (فارابی، ۱۳۷۹) این مصلح که رئیس مدینه فاضله است، انسانی است که هم عقل است و هم معقول. فارابی اهل مدینه فاضله را همانند اعضای بدن و رئیس آن را که رئیس فیلسوف یا نبی حکیم است به منزله قلب آن می‌شمارد، گویا وجود رئیس مورد نظر فارابی برای تحقق مدینه فاضله کافی است. هر عضو از اعضای مدینه فاضله نمی‌تواند رئیس شود. زیرا ریاست دو شرط دارد: نخست آنکه شخصی از حیث شریست و طبیعت آماده آن مقام باشد، و دوم آنکه واجد ملکه و هیئت اداری این کار باشد. بنابراین مدینه فاضله فارابی، جامعه‌ای است کاملاً روحانی که تصور جزئیات آن بسی دشوار است. با این که بحث وی گسترده و مفصل است، اما همه جا به کلی گویی بسنده می‌کند و به روابط ملموس سیاسی و اجتماعی نمی‌پردازد. برای درک نظام طبقاتی مدینه فاضله، آگاهی اجمالی به دستگاه فلسفی فارابی ضرورت دارد؛ زیرا ساختار شهر آرمانی وی برداشت عقلانی او از نظام کائنات است. در دستگاه فلسفی فارابی، همه کائنات از فیضان وجود نخست یا ذات پروردگار پدید آمده است و موجودات عالم در نظامی متنازل قرار گرفته‌اند.

شهاب الدین سهروردی

شهاب الدین سهروردی یا همان شیخ اشراق که رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب گرفته، در رساله ی خود با نام آوار پر جبرئیل به جای واژه اتوپیا نام ناکجا آباد را برای آرمان شهر خود بکار برده است. تفاوت اتوپای غربی با ناکجا آباد سهروردی آن است که آرمان شهر او سرزمین پیران مجرد است ولی اتوپیا شهری زمینی است که ساکنان آن، مقام و منصب معینی در مدینه دارند و قوانین انسانی آن را اداره می کند. اتوپیا مدینه ای است که در آن خدا غایب است و دین و احکام الهی یا اصلاً وجود ندارد یا اگر هست، اثر گذار نیست و در مقابل، در آرمان شهر سهروردی قوانین الهی حکم فرما است. (مکارم، ۱۳۷۷).

دادشهر ابن سینا

ابن سینا در آرمان شهر یا کام شهرش که مدینه عادله یا همان دادشهر نامیده است، همانند فارابی از نگره سیاسی افلاطون که بهترین دولت همانا دولت شهر است نه امپراتوری پیروی کرده است. ابن سینا جماعت شهر را سه بخش کرده است: تدبیرگران، صنعتگران، نگهبانان. در مدینه او خانواده، مدرسه و نظام آموزش و پرورش نقش بسزایی در تربیت کودکان دارد، زیرا سرنوشت سیاسی جامعه و نیک بختی آن در پیوند با آنهاست. (اذکایی، ۱۳۶۴).

گونه بندی آرمانشهرها از نظر ابن سینا

ابوعلی سینا انواع شهرها را در سه دسته کلی قرار میدهد

۱- گمراه شهر، که باید آن را به راه حق فراخواند؛

۲- ناساز شهر، که دارای سنت هایی بر خلاف سنت کریمه است؛

۳- آیین شهر که سنتگزار آن خداست، و از آن به عنوان مدینه عادله یاد میشود. در مدینه عادله، سزاوار است که عوام از اخلاق و عاداتی که شریعت نهاده است پیروی کنند تا آن که کردارهای نیک با تکرار پیوسته و بسیار و طی زمانی طولانی به صورت آیین معرفی گردند (واحد فروغ، ۱۳۹۲)

وجوه مشترک آرمان شهر های فلاسفه مسلمان

یکی از این اشتراکات اجتماع می باشد، انسان کمال طلب برای رسیدن به خواسته های نفسانی و روحانی، نیازمند همزیستی با دیگر هم نوعان خود است. از دیگر مشترکات می توان نظم و قانون را نام برد، تقریباً تمامی فلاسفه آرمان شهرگرا بر نظم و قانون تاکید زیادی دارند، همانطور که این ویژگی ها در آرمان شهر مور و کتاب جمهور افلاطون به وضوح دیده می شود؛ در

مدینه فاضله فارابی همه چیز با نظام فلسفی طبیعت و آفرینش سازگار است و در مقابل، در مدینه جاهله سراسر بی نظمی و به هم ریختگی دیده می شود. نظام طبقاتی که از دیگر وجوه مشترک آرمان شهر مسلمانان می باشد، می توان به عنوان مثال به فارابی اشاره کرد، وی پس از رئیس مدینه فاضله، از طبقاتی سخن می گوید که مردم در آنها بر مرتبه فروتر از خود، فرمانروا و نسبت به مرتبه فراتر فرمان پذیر. و خواجه نصیر نیز برای ارکان مدینه فاضله، از پنج طبقه نام می برد و این تقسیم بندی ها را بر اساس شایستگی و استعداد افراد انجام می دهد. و در نهایت عدالت و برابری و دین داری، از دیگر مشترکات این آرمان شهر ها هستند.

آرمانشهرها و آرمانشهرگرهای غربی

انسان موجود مدنی بالطبع

در میان نگرش فلاسفه شرقی و غربی، تقریباً همگی معترف به الزام ارتباط و وجود نسبت میان انسان و مدنیت هستند، اما درخصوص کیفیت حیات مدنی انسان دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه نخست - که دیدگاه معروف و رایج میان متفکران اسلامی نیز هست- انسان را «مدنی بالطبع» می داند که ذاتاً و از روی فطرت اجتماعی است. و، اما نگرش دوم -که فلاسفه مدرن بیشتر به آن تأکید دارند- انسان را موجودی غیراجتماعی بالفطره می داند که اقتضائاتی آن را به سوی زندگی با دیگر انسان ها سوق داده است. معتقدان به این رویکرد خود در دو دسته قابل طبقه بندی اند. گروهی معتقدند که انسان ها از سرناچاری و اضطرار تن به زندگی اجتماعی داده اند و گروهی دیگر اعتقاد دارند اجتماعی زندگی کردن انسان ها، یک انتخاب توسط انسان ها بوده است که انسان ها مبتنی بر عقل خود برای بهتر زندگی کردن و تکامل بیشتر به آن روی آورده اند.

بر اساس رویکرد عنوان شده نخست حیات اجتماعی آدمیان همچون خلقت ازواج (زن و مرد) در نسبت با یکدیگر است که گرچه به صورت مجزا آفریده شده اند، اما در تعامل با یکدیگر است که می توانند به حیات ادامه دهند. این دیدگاه رویکردی سنتی و پیشینی به خلقت آدمی در اجتماع است به طوری که حتی در میان فلاسفه یونان در تعریف چیستی انسان، این موضوع مطرح بود و ارسطو انسان را به مقتضای «طبیعتش» موجودی اجتماعی معرفی می کند. جمله معروف «انسان، مدنی بالطبع است» نیز به ارسطو نسبت داده شده است. در میان فلاسفه مسلمان نیز فارابی که «معلم ثانی» و شارح افکار ارسطو لقب گرفته است همین دیدگاه را دنبال نموده و بیان می دارد: «زیست در جامعه، مفطور انسان است. بنابراین می توان اینگونه گفت که مبانی تفکر غربی (افلاطون) انسان موجودی ذاتا اجتماعی و متمایل به زدگی در جمع است و این مسئله علاوه بر رفع نیاز های مادی، یک نیاز مستقل برای وی محسوب می شود. افلاطون از زبان سقراط ابتدا منشا اقتصادی داشتن کشور و بر آورده ساختن حاجات طبیعی را مطرح می نماید (رفرنس داخل مقاله). به طور مشخص، علت پیدا شدن شهر از نیاز های انسان ها به یکدیگر ناشی می شود. انسان ها به دلیل داشتن نیاز های فراوان، اما تواناییهای اندک، به زندگی جمعی پیوستند. بنابراین، پایه و اساس شکل گیری جوامع احتیاجات انسان به یک دیگر بوده است: به عقیه من، علت احداث شهر این است که هیچ فردی برای خود کافی نیست، بلکه به بسیاری از چیزها نیازمند است. یک احتیاج باعث می شود که انسانی، انسان دیگر را با خود شریک کند، پس احتیاج دیگری او را وادار می کند که با شخص دیگری ببیوندد و بدین ترتیب، کثرت جوامع باعث می شود که عده زیادی نفوس در یک مرکز گرد آمده، با هم معاشر شوند و به یکدیگر کمک کنند و ما این تجمع را شهر می نامیم.... پایه و احساس شهر احتیاجات ما خواهد بود (رفرنس داخل مقاله). پس هر فردی تنها در یک فم مهارت دارد. بنابراین، در شهر آرمانی افلاطون هیچ کس به قول معروف همه فن حریف نیست.

اما آنچه را می توان به عنوان نتیجه از این احداث به دست آورد و به آن اشاره نمود این است که بر این اساس، به نظر افلاطون زندگی اجتماعی بشری اجتناب ناپذیر است. بنابراین در تاریخ اندیشه سیاسی و فلسفه غربی، افلاطون بنیانگذار اندیشه آرمانشهری است. آرمانشهر او جامعه است که در آن هرکس با توجه به دانش در جای خودش قرار گرفته باشد و فراوارترین گروه برای حکومت فلاسفه هستند که در آنها عنصر عقل در درجه بالایی قرار دارد (نوعی از نخبه گرایی). (پس از افلاطون، ارسطو کتابی به نام سیاست نوشت که از جامعه آرمانی افلاطون واقع گرایانه تر است. ارسطو در شهر آرمانی خود به شهروندان به عنوان عنصر مهم اشاره دارد و از طرفی هدف نهایی شهر را دست یابی به زندگی سعادت‌مدانه یا به تعبیری "خیر" می داند (ارسطو، ۱۳۶۴) آرمانشهر این دو فیلسوف بیشتر معطوف به شهر زمینی است یعنی به جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند توجه دارد نه به ابعاد معنوی. بعد از این دو فیلسوف، قدیس آگوستین در دوره قرون وسطی "شهر خدا" را در برابر "شهر زمین" بیان می دارد پس از آن در دوران رنسانس، سرتامس مور، در کتاب "آرمانشهر" شهر آرزوهای خود را اینگونه به تصویر می کشد: در آن عدالت کامل برقرار باشد و همه زیر پرچم آزادی، برابری و عدالت، عمری را به شادمانی بگذرانند

نتیجه گیری

آنچه که از بررسی تفاوت های میان آرمانشهرهای غربی با آرمانشهرهای اسلامی حاصل شده اینست که مبانی ویژگی های عنوان شده توسط فلاسفه برجسته ای مانند فارابی، خواجه نصیر الدین طوسی، سهروردی، ابن خلدون و ... در پی رسیدن به این آرمان شهر و در سایه آن دست یابی به آرامش و آسایش است حال با توجه به این نکته مدینه فاضله از نظر این فلاسفه مسلمان شهریست که همه آحاد مردم در نظر گرفته می شوند و در پی ایجاد ثبات و آرامش افراد می باشد که در آن خدا و مردم مد نظر هستند، در آرمان شهر فارابی، همه صاحبان حرفه ها، تحت ریاست عالم ترین فرد آن حرفه قرار می گیرند و متصدی هر کاری باید شایستگی و توان انجام دادن آن کار را داشته باشد. اصولاً در تفکر اسلامی، سعادت جامعه توحیدی، درگرو برپایی عدالت و نابودی ظلم و فساد است و در ایین اسلام، آراسته بودن مردم به زیور علم و تقوا، موجب رستگاری آنها در دو جهان می شود. بنابراین در مقابل این موضوع آرمان گرایان غربی در نظریات آرمانشهرهای خود از علم فلسفه و حکمت بهره برده اند که در این زمینه نظریه پردازان مسلمان نیز بیشتر اندیشه های فلسفی داشته اند و کمتر ابعاد کالبدی آرمانشهر را مورد توجه قرار داده اند - .آرمان گرایان غربی در آرمانشهرهای خود به مرور زمان به مواردی نظیر قانون، طبقه، فلسفه، عدالت مشارکت، موکراسی و .. پرداخته اند در حالیکه آرمان گرایان مسلمان بیشتر به موضوعات سعادت اخروی، حکمت و فلسفه، وجود رئیس یا مدیر حکیم و.... پرداخته اند.

منابع

- ۱- نادری، محمد مهدی . (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب- دکتر مسعود مطلبی - دکتر محمد مهدی نادری- فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دوم، شماره ۶
- ۲- آرمانشهر مولانا- محمد رضا صرفی- زهرا خجسته (۱۳۸۶) فرهنگ ویژه نامه مولوی
- ۳- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱) آرمان شهر در اندیشه ایرانی - ویرایش ۲ - تهران نشر نی
- ۴- اکبری مطلق جواد. نقد و بررسی آرمان شهر افلاطون در پرتو مدینه فاضله مهدوی
- ۵- مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸
- ۶- علی آبادی، محمد (۱۳۸۶) صویری از آرمان شهر اسلامی، آدینه- شماره ۲- ش- صفحه ۱۱۳
- ۷- احمدی، حسن، افرادی، کاظم، ۱۳۹۱، سیر تفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام، آموزه های فلسفی اسلامی، شماره ۱۱- صفحه ۲۳
- ۸- خسروی، غلام حسین، ۱۳۹۲ ویژگی های شهر اسلامی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، ص ۲
- ۹- فارابی، ابونصر محمد، ۱۳۶۱، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه و تحشیه: سید جعفر سجادی، طهوری- شماره ۱۵
- ۱۰- فارابی، ابونصر، ۱۳۷۹، سیاست مدینه، سید جعفر سجادی، سازمان چاپ و انتشارات ص ۲۳۰
- ۱۱- مکارم، محمد حسین، ۱۳۷۷، مدینه فاضله در متون اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- ۱۲- اذکایی، پرویز، ۱۳۶۴، دادشهر ابن سینا، نشریه چیستا، شماره ۲۳، صفحه ۸ تا ۱۸
- ۱۳- اصیل، حجت اهلل، ۱۳۸۱، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، نی، صفحه ۳
- ۱۴- افلاطون- مترجم: روحانی، فواد (۱۳۹۸) جمهور، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۵- میروانی، فهیمه (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی آرمانشهر در اشعار سهراب سپهری و ویلیام بالتر یتز- مطالعات ادبیات تطبیقی سال یازدهم، شماره ۴۴
- ۱۶- کاپلستون، فردریک (۱۳۹۳) بی تا، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال الدین مجتبوی- تهران، سروش
- ۱۷- عنایت، حمید (۱۳۶۴) بنیاد فلسفه سیاسی در غرب- تهران- انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۸- عنایت، حمید (۱۳۶۴) بنیاد فلسفه سیاسی در غرب- تهران- انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۹- داد، سیما (۱۳۷۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی- تهران- انتشارات مروارید
- ۲۰- واحد فروغ، فروزان- سخندان سرخابی، زهرا (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی آرمانشهرها افلاطون و آرمانشهر اسلامی ابن سینا- با گذر از معماری ایرانی اسلامی و هویت گمشده آن- بهمن ماه- زاهدان- ایران ۹-۱
- ۲۱- ارسطو، ۱۳۶۴، سیاست، جلد کتاب اول، تهران: انتشارات کتاب های حبیبی